آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۰۶۴
شنبه
۱۸ • ۱۲ • ۱۴۰۳
۷ رمضان ۱۴۴۶ / ۸ مارس ۲۰۲۵

یادداشت

از زمستان سخت تا بهار خشک

اسلام ذوالقدرپور
کارشناس مسائل سیاسی

اداره امور عمومی در جهان پسامدرن و در وضعیت آنارشیک کنونی، بیش از آنکه عصر شکوفایی اقتدار انسان را جلوه دهد با دو مؤلفه دیگر یعنی برتری هوش مصنوعی و ناهنجاری اقلیمی شناخته می‌شود. ناتوانی مقتدرترین انسان‌های دوران تاریخ در برابر تغییرات اقلیمی به گونه‌ای است که واژه ناهنجاری بر این تغییرات داده شده و بشر قرن ۲۱ به درون این ناهنجاری فاجعه‌بار کشیده می‌شود. ناهنجاری اقلیمی که سراسر جهان از ایالات متحده آمریکا، چین، ایران، سراسر آفریقا و قلب اروپا را در قالب خشکسالی شدید، آتش‌سوزی بزرگ در زمستان‌های خشک، سیل‌های ویرانگر در تابستان گرم و... درگیر کرده و حیات بشر را تهدید می‌کند. این ناهنجاری‌ها برای بیشتر بازیگران نظام جهانی (دولت‌ها و غیر دولت‌ها) مشکل آفرین بوده، بحران کارآمدی و اثربخشی این بازیگران را شدت بخشیده است. در چنین وضعیتی، اداره امور عمومی بسیار سخت شده و تاکتیک‌های بیشماری طرح‌ریزی می‌شوند که در نهایت به انعطاف‌پذیری زیستی انسان با تغییرات اقلیمی یا همان انطباق با شرایط بحرانی، منجر می‌شود. ایران ازجمله بازیگران نظام جهانی است که در یک دهه اخیر با موجی سنگین از ناهنجاری اقلیمی روبه‌رو بوده و فشار فزاینده همین آشفتگی اقلیمی با ناهنجاری سیاسی مانند تحریم‌های غرب و تنش‌های ژئوپلیتیک همسو شده و ایران را در وضعیت دولت شکننده نظام جهانی قرار داده است. جهانی شدن ناهنجاری اقلیمی دارای مؤلفه‌های بسیاری است که بیشتر آنها در ایران قابل مشاهده هستند. خشکسالی شدید، گرمای شدید، باران‌های ویرانگر خارج از فصل بارش، افزایش و تثبیت آلودگی‌های هوا و... که بی‌نظمی اداره امور عمومی و حکمرانی در ایران را شکل داده‌اند. شکل‌گیری این بی‌نظمی و پیدایش دولت شکننده در ایران تنها با این اندیشه قابل تفسیر است که؛ «نظم برای تثبیت خود به استفاده موقتی از بی‌نظمی نیاز دارد.» بی‌نظمی موقتی پیامد ناهنجاری اقلیمی می‌تواند به نظم نوین حکمرانی ایران بر پایه سازگاری با شرایط جدید زیستی، اقلیمی و بلکه سیاسی و ژئوپلیتیک منجر شود که اقتدار فزاینده ایران در جهان آشوبناک کنونی را تضمین می‌کند. سیاستگذاری آرمانی و سیاست‌زده که حکمرانی ایران را در وضعیت شکننده قرار داده و نه‌تنها زمستان سخت که برای غرب و اروپا تعریف کرده بود را بر ایران عملیاتی کرده، بهار خشک را نیز در پیش دارد. سیاست‌گذاری عمومی در بحران‌های طبیعی، دستورکار مقابله با این طیف از مشکلات را توصیه می‌کند؛ اما در چند دهه اخیر و فراگیری بحران‌های طبیعی مانند زلزله، سونامی... به‌ویژه خشکسالی، ناکارآمدی سیاست تقابلی یا واکنشی نمایان شده و اندیشمندان سیاست‌گذاری توصیه به سازش با بحران‌ها دارند. سازش با بحران طبیعی به‌خصوص آشفتگی اقلیمی به معنای کسب آمادگی کامل برای کاهش خسارت و پیامدهای این‌گونه رویدادهایی است که پیدایش آنها خارج از دسترس و توان انسان است. الگوی واکنشی یا تقابلی برای مدیریت ناهنجاری اقلیمی هرگز کارساز نخواهد بود، زیرا تغییرات اقلیمی بسیار فراتر از توان انسان بوده و بخشی از این آشفتگی اقلیمی نیز پیامد فعالیت و خودخواهی بشر در فرآیند توسعه است! بشر توان برطرف کردن همه مشکلات و بحران‌ها را ندارد، بنابراین مجبور است با بخشی از مشکلات سازگاری داشته باشد. دوم، مدیریت چرخه بحران: حکمرانی مطلوب عصر پسامدرن فرآیندی است که با چرخه‌ای از بحران‌های همبسته مواجه است. چرخه بحران‌های موجود به گونه‌ای است که یک رویداد طبیعی مانند زلزله یا خشکسالی می‌تواند بحرانی ژئوپلیتیک با ابعاد جهانی را سبب شود. ناهنجاری اقلیمی شدید در ایران در قالب خشکسالی و گرمای سوزان به قطعی آب، برق و کمبود دیگر خدمات حیاتی عصر کنونی منجر شده است و ایران را در زمستان سرد ۱۴۰۳ قرار داد که تا مرزهای یک فاجعه بزرگ در زمستان ۱۴۰۳ نیز پیش رفته بود. اکنون که ایران همچنان با بحران کمبود انرژی به‌خصوص برق و گاز روبه‌روست، خشکسالی بی‌سابقه بر بسیاری از مناطق ایران حکمفرما شده است به گونه‌ای که استان‌های پربارشی مانند چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، شمال خوزستان و... هیچ بارش قابل توجه‌ای نداشته‌اند و هشدار هراسناکی از بهار خشک و سوزان می‌دهند. هشداری که سیاست‌گذاران را به مدیریت جامع مسائل و بحران‌ها در قالب یک چرخه بحران رهنمون می‌کند. برطرف کردن ابن بحران‌ها بر پایه مقابله جزئی و تمرکز بر یک بحران، امکان‌پذیر نیست و اثربخشی چندانی ندارد. بنابراین باید مدیریت چرخه بحران را عملیاتی کنند. اقلیم شناسی و برآورد پیامدهای جغرافیا و اقلیم بر سیاست و روابط بین‌الملل یکی از مؤلفه‌های دانش ژئوپلیتیک و سیاستگذاری است که الگوی حکمرانی مطلوب بر پایه رفتار زیستی شهروندان و دولت را شکل می‌دهد. زمستان سرد ۱۴۰۳ ایران که جلوه‌ای از ناکارآمدی بود، تقابل آشفتگی اقلیمی با حکمرانی را نمایان ساخت. ناتوانی در مقابله یا سازگاری با آشفتگی اقلیمی سبب شد مشروعیت و اقتدار راهبردی ایران در افکار عمومی خدشه‌پذیر شود و شکنندگی دولت ایران را برجسته کند. در عصری که دانش و فناوری هوش مصنوعی در حال سلطه بر تمام ابعاد زندگی بشر و بلکه حکمرانی سیاسی بوده و یک ناهنجاری بزرگ اقتصادی و قدرت ویرانگر آینده نامیده می‌شود، ناهنجاری اقلیمی نیز بر سراسر جهان سایه افکنده است. ایران که با طیفی از چالش‌ها و بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک روبه‌روست، با شدیدترین ناهنجاری اقلیمی یک قرن اخیر خود در قالب خشکسالی و ناترازی شدید منابع انرژی روبه‌رو شده است. در پایان زمستان ۱۴۰۳ که مصداقی از زمستان سرد اروپای پساتحریم گاز روسیه بوده و ناترازی انرژی ایران تا مرز شکنندگی دولت پیش رفت، اکنون جلوه‌های یک بهار بسیار سخت یا بهار خشک در ایران نمایان شده است. احتمال خشک شدن سدهای بزرگی مانند کارون‌ها و زاینده‌رود، بسیار فاجعه‌بارتر از زمستان سرد ۱۴۰۳ خواهد بود.

حسین راغفر در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

پزشکیان خیلی زود توسط الیگارشی اقتصادی محاصره شد

پزشکیان توسط الیگارشی قدرت و ثروت تسخیر شده است

دولت پزشکیان باید به سیاست‌های عکس آنچه انجام داد عمل می‌کرد

آرمان ملی- احسان انصاری: «دولت چهاردهم همان روند اشتباه ۳۵ سال گذشته کشور را ادامه داده است. این در حالی است که در شرایط کنونی جامعه ایران با بحران‌های پیچیده و خطرناکی مواجه است و قطعا ادامه این مسیر در سه و نیم سال آینده دولت چهاردهم امکان‌پذیر نیست. این وضعیت امکان اصلاح دارد اما اگر تصمیم‌گیری در این زمینه با تأخیر انجام گیرد و یا اصلا انجام نگیرد این احتمال وجود دارد که در سه و نیم سال باقی مانده دولت پزشکیان نه از تاک نشانی باقی ماند و نه از تاک نشان. آقای پزشکیان با طرح دیدگاه‌هایی از نهج‌البلاغه به ریاست جمهوری رسید. در نهج‌البلاغه حضرت علی(ع) به صراحت خطاب به مالک عنوان می‌کند که توجهات به خواص نباشد و به سمت مردم باشد، چراکه در زمان سختی این مردم هستند که در کنار تو خواهند بود و خواص تو را تنها خواهند گذاشت.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر حسین راغفر، اقتصاددان در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. دکتر راغفر در این گفت‌وگو نسبت به روند تصمیم‌گیری در کشور هشدارها و تذکرات مهمی را عنوان می‌کند که در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

چرا دولت پزشکیان نتوانسته به وعده‌های خود به خصوص در زمینه اقتصادی عمل کند؟ آیا دولتی که شکل گرفته متناسب با خواسته و مطالبات مردم است؟

دولت‌ها در ۳۵ سال پس از جنگ تحمیلی سیاست‌های اشتباهی را در پیش گرفته‌اند که امروز وضعیت اقتصادی کشور به این نقطه رسیده است. هیچ کدام از دولت‌ها نیز نتوانستند این روند را تغییر بدهند و بلکه برخی با تصمیمات اشتباهی که می‌گرفتند این چالش‌ها را تشدید نیز کرده‌اند. شرایط به شکلی بوده که دولت‌ها گمان می‌کردند مجبور هستند یک مسیر را طی کنند که همین مسیری که امروز نیز قابل مشاهده است. با این وجود از یک مرحله به بعد درآمدهای ارزی کشور بر اثر تحریم‌ها با کاهش شدیدی مواجه شد. از این مرحله به بعد است که این نوع مدیریت ظرفیت‌های کشور برای همگان آشکار می‌شود. تا قبل از این به دلیل اینکه اغلب نیازهای کشور از طریق فروش نفت تأمین می‌شد این شیوه مدیریت کشور مشخص نبود و یا کمتر مشخص بود. در اواخر دولت دهم است که تحریم‌های ایران شکل گسترده‌تری به خود می‌گیرد و کاستی‌ها و شعف این شیوه آشکار می‌شود. پس از آن نیز مخارج برون مرزی افزایش پیدا می‌کند. این در حالی است که درآمدهای ارزی کشور و میزان سرمایه‌گذاری کاهش پیدا کرده است. از این مقطع زمانی به بعد است که هم مشکلات افزایش پیدا می‌کند و هم این نوع مدیریت شکل واقعی خود را نشان می‌دهد. در چنین شرایطی دولت‌ها هم با چالش‌ها و مشکلات بیشتری مواجه هستند و هم اینکه منابع کمتری در اختیار آنها قرار دارد. اتفاق مهم، ظهور الیگارشی قدرتمند در اقتصاد است که برای تأمین نیازهای خود و شکل‌گیری جامعه مصرفی، اندک منابعی را که باقی مانده، به سمت منافع بخش خاص هدایت می‌کند. به همین دلیل سهم کمتری از منابع باقی مانده به طبقه متوسط و پایین جامعه اختصاص داده می‌شود.

> **اتفاق مهم، ظهور الیگارشی قدرتمند در اقتصاد است که برای تأمین نیازهای خود و شکل‌گیری جامعه مصرفی، اندک منابعی را که باقی مانده، به سمت منافع بخش خاص هدایت می‌کند**

دلیل استمرار این نوع شیوه مدیریت اقتصاد چه بوده است؟ چرا دولت‌ها نتوانستند این روند اشتباه را اصلاح کنند؟

این شیوه حکمرانی در اقتصاد به خود اجازه می‌دهد که الیگارشی قدرت و ثروت و طبقه جدیدی را که در کشور شکل گرفته تأمین مالی کند. به همین دلیل در سال گذشته ۸ میلیارد دلار برای واردات قطعات خودرو و ۴ میلیارد دلار برای واردات طلا هزینه شد. در واقع این مسائل اولویت‌های تخصیص منابع در کشور بوده است. این اتفاق در اقتصادی رخ داده که منابع کافی در اختیار ندارد و هر روز نیز منابع بخش عمومی کوچک‌تر و هزینه‌های آن هر روز بزرگ‌تر می‌شود. نتیجه این وضعیت تکرار شوک درمانی‌های ارزی است. در چنین شرایطی، سهمی که برای نیازهای بخش عمومی در اختیار دولت قرار می‌گرفته کمتر شده و به همین دلیل ما از یک مرحله به بعد شاهد درماندگی در دولت‌ها هستیم. البته از ابتدا نیز مشخص بود که به چنین نقطه‌ای می‌رسیم. با این وجود بوق الیگارشی و رسانه‌های نزدیک به آنها در گوش جامعه دمیده می‌شد و مرتب عوامل مختلفی را به عنوان دلیل مشکلات اقتصادی کشور معرفی می‌کردند تا افکار عمومی جامعه را منحرف کنند. در دولت سیزدهم آنچه در قانون اساسی به عنوان وظایف و مسئولیت‌های دولت وجود داشت، از دولت سلب و عملا دولت به یک ماشین بزرگ بروکراسی تبدیل شد که از یک طرف هزینه‌های آن زیاد و از سوی دیگر اختیارات آن کمتر شده است.

چرا این اتفاق در دولت سیزدهم رخ داد؟

این روند در دولت‌های گذشته آغاز شده بود اما در دولت سیزدهم شدت بیشتری پیدا کرد. این دولت با شعار ساخت یک میلیون مسکن و ایجاد یک میلیون شغل در سال روی کار آمد، اما خیلی زود متوجه شدند که بین واقعیت‌های جامعه و شعارهای مطرح شده، فاصله زیادی وجود دارد. از سوی دیگر الیگارشی قدرت یافته در اقتصاد بنا به اهداف و سیاست‌هایی که داشت، در عمل راه‌های اخذ مالیات را مسدود کرد و از این رو نظام مالیاتی کشور قادر به تأمین نیازهای بخش عمومی نیست.

این وضعیت در دولت چهاردهم هم ادامه دارد؟

به نظر می‌رسد دولت چهاردهم بدون آگاهی از تحولاتی که در ۳۵ سال گذشته در اقتصاد کشور رخ داده، کار خود را آغاز کرده است. به همین دلیل با دولتی ناپخته در زمینه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مواجه هستیم. آقای پزشکیان و دولت ایشان به سرعت توسط الیگارشی قدرتمند در اقتصاد کشور محاصره شد و اختیارات اندکی که از ریاست جمهوری باقی مانده بود در اختیار الیگارشی قرار گرفت. کار به جایی رسیده که در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ منابع اولیه برای اولویت‌های مهمی چون واردات دارو که در حدود ۶۰۰ میلیون دلار است، تخصیص داده نشد. این در حالی است که در همین مدت تخصیص‌های عجیب و غریبی به واردات طلا و خودرو داده شده است. این وضعیت به خوبی نشان می‌دهد که دولت چهاردهم خیلی زود توسط الیگارشی موجود در اقتصاد تسخیر شد. نکته درخور توجه و دقت این است که آقای پزشکیان به عنوان پزشک دوره‌های برنامه‌ریزی سلامت را دیده بودند و به همین دلیل در زمانی که نماینده مجلس بودند دیدگاه‌های روشنی در این زمینه داشتند، اما پس از اینکه به ریاست جمهوری رسیدند دیدگاه‌های دیگری را در این زمینه مطرح می‌کنند. جالب اینجاست که ایشان دیدگاه‌های جدید خود را به گونه‌ای ابراز می‌کنند که قابل تبیین با مواضع نئولیبرال در حوزه سلامت است. دولت‌های گذشته نیز از نقش‌آفرینی موثر در اقتصاد ناتوان بودند و این ناتوانی را به دولت چهاردهم انتقال دادند. با این وجود تصمیم‌گیران دولت چهاردهم افراطی‌ترین سیاست‌های رهاسازی اقتصادی را اجرا کردند.

منظور شما کدام سیاست‌ها است؟

سیاست‌هایی که در همین ماه‌های اخیر اجرایی شد در حالی که باید سیاست‌های عکس این در پیش می‌گرفتند. اتفاق دیگری که در دولت چهاردهم رخ داده این است که علاوه بر اینکه کارکرد دولت نسبت به گذشته کاهش پیدا کرده نقش عناصر تعیین کننده در دولت نیز کاهش پیدا کرده است. شرایط به شکلی است که امروز در عمل دولت نمی‌تواند سیاست‌های خود را دنبال کند و در مواردی خود را ناتوان نشان داده است. شاید این نگاه وجود داشت که گمان می‌رفت با شعار وفاق ملی می‌توان در حل مشکلات با دیگران شریک شد و از عناصر دیگر استفاده کرد تا آنها هم علیه دولت سنگ‌اندازی نکنند. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که کسانی که امروز در دولت حضور دارند، در گذشته با این دولت همراه نبوده‌اند. گویی تصوری که در مدیریت کشور وجود داشته، بیشتر شبیه تصور از یک شرکت سهامی بوده است که به واسطه بازی گرفتن از دیگران بتوان فشارها را کاهش داد یا از میان برداشت. از این نظر می‌توان گفت در دولت چهاردهم همان سیاست‌های اشتباه ۳۵ سال گذشته بدون تغییر مانده و همان روند ادامه پیدا کرده است. در چنین شرایطی برخی رسانه‌ها که نزدیک به الیگارشی موجود در اقتصاد هستند، تلاش می‌کنند شرایط را به شکلی کاملا متفاوت از آنچه رخ داده، نشان بدهند و اذهان مردم را به سمت دیگری هدایت کنند. قرار نبود مجلس به آقای همتی رأی ندهد، اما ظاهرا مجلس تحت تاثیر برخی موضع‌گیری‌ها قرار گرفته است. در سطوح بالای مدیریتی نمی‌توان هر حرفی را به زبان آورد و اگر مثلا درباره مذاکره و تعامل با دیگر کشورها، دیدگاه متفاوتی وجود داشته باشد، باید در نهایت نظر نهایی مطرح شود نه اینکه بر اختلاف‌ها تاکید شود که مثلا من نگاه دیگر یا نظر دیگری داشته‌ام. این وضعیت نشان دهنده ناپختگی است که در نهایت مجلس را به سمتی هدایت کرد که با رأی بالا وزیر اقتصاد را استیضاح کند. اگر این را نشانه‌ای کوچک در نظر بگیریم می‌توانیم به مجموعه دولت گسترش بدهیم و با این زاویه نگاه نمی‌توان گفت دولت کارآمد است.

چه ضعف‌هایی در دولت قابل مشاهده است؟

دولت چهاردهم همان سیاست‌های اشتباه اقتصادی را که در گذشته هم وجود داشته ادامه داده است و نتوانسته خود را از زیر فشار رها کند. در شرایط کنونی جامعه با بحران‌ها و شرایط سخت و پیچیده مواجه است که اگر کنترل نشود ممکن است خطرناک هم باشد. ادامه این مسیر در سه و نیم سال آینده، امکان‌پذیر نیست. این وضعیت امکان اصلاح دارد اما اگر تصمیم‌گیری در این زمینه با تأخیر انجام گیرد و یا اصلا انجام نگیرد این احتمال وجود دارد که در سه و نیم سال باقی مانده دولت نه از تاک نشانی باقی ماند و نه از تاک نشان. آقای پزشکیان با طرح دیدگاه‌هایی از نهج‌البلاغه به ریاست جمهوری رسید. در نهج‌البلاغه حضرت علی(ع) به صراحت خطاب به مالک عنوان می‌کند که توجهات به خواص نباشد و به سمت مردم باشد، چراکه در زمان سختی این مردم هستند که در کنار تو خواهند بود و خواص تو را تنها خواهند گذاشت. منظور از خواص در اینجا همین گروه الیگارشی است. هنوز برای اصلاح دیر نیست اما فرصت‌های زیادی از دست رفته است. به همین دلیل دولت چهاردهم باید دوباره روند تصمیم‌گیری کشور را به سمت صحیح هدایت کند. در غیر این صورت جامعه و مدیریت کشور با چالش‌های جدی مواجه خواهند شد.

دونالد ترامپ برای ایران نامه ارسال کرده است

نامه پیشنهاد مذاکره؟

آرمان ملی: از مدت‌ها قبل از قدرت گرفتن دوباره دونالد ترامپ گمانه‌زنی‌های سیاسی در سطوح مختلفی جریان داشت و عده‌ای با اشاره به کسب تجربه ترامپ از دور اول ریاست جمهوری، اعتقاد داشتند که او در مواجهه با ایران جانب احتیاط را رها نخواهد شد. در بین فعالان سیاسی دو کشور هم این نگاه قابل ردیابی بوده است. دونالد ترامپ خیلی زود نشان داد که تا چه اندازه تحت تاثیر لابی قدرتمند صهیونیست‌ها در آمریکا قرار دارد. او با امضای یک دستورالمعل وارد فاز تهاجمی شد و هرچند سعی می‌کرد در کلام قدری نرمی نشان دهد اما دولت دومش را به سوی فشار بر ایران برد. واکنش ایران اما سریع و تند و بدون نرمش بود و بلافاصله به شکل رسمی اظهار کرد که حاضر به مذاکره تحت فشار نیست. شاید این واکنش برای آمریکایی‌ها دور از تصور بود که از همان زمان سعی کرده از راه‌های متفاوت امکان نزدیکی به ایران را آزمانش کند. واکنش ایران به موضع ترامپ چنان صریح و روشن بود که برخی کشورها برای کاستن از سطح تنش، تلاش کردند نقش میانجی را بین دو کشور ایفا کنند که تا این لحظه ایران حاضر به عقب نشینی نشده و بر همان اصولی که گرفته، ثابت مانده است.

ترامپ و نامه‌اش

در همین راستا خبر رسید که دونالد ترامپ پنجشنبه گذشته برای ایران نامه‌ای ارسال کرده است. ترامپ گفت که می‌خواهد درباره توافقنامه برنامه تسلیحات هسته‌ای با ایران مذاکره کند و افزود امیدوار است که آنها مذاکره کنند. او این اظهارات را در مصاحبه با شبکه فاکس بیزینس بیان کرد. ماریا بارتیرومو از او پرسید: گزارش‌هایی منتشر شده که می‌گویند روسیه اعلام کرده است که به ایالات متحده در مذاکره برای یک توافق هسته‌ای با ایران کمک خواهد کرد. شما چه نوع توافقی با ایران می‌خواهید انجام دهید؟ شما گفته‌اید که آنها نباید سلاح هسته‌ای داشته باشند. ترامپ پاسخ داد: دو راه برای برخورد با ایران وجود دارد: راه حل نظامی، یا اینکه توافقی انجام دهید. ماریا بارتیرومو سوال کرد: شما نامه‌ای به آیت‌ا... خامنه‌ای نوشتید... ترامپ گفت: بله. ماریا بارتیرومو پرسید: چه زمانی این نامه را ارسال کردید؟ ترامپ گفت: دیروز (پنجشنبه). ماریا بارتیرومو سوال اصلی را مطرح کرد و گفت: در آن نوشته‌اید بهتر است مذاکره کنید یا ما می‌خواهیم شما مذاکره کنید؟ ترامپ پاسخ داد: من نگفتم «بهتر است»، گفتم امیدوارم که مذاکره کنید، زیرا این کار برای ایران بسیار بهتر خواهد بود و فکر می‌کنم که آنها می‌خواهند این نامه را دریافت کنند. گزینه‌ی دیگر این است که ما مجبور به اقدامی خواهیم شد، زیرا نمی‌توان اجازه داد که آنها سلاح هسته‌ای داشته باشند. با همه اینها یک مقام آمریکایی به الجزیره گفت که دونالد ترامپ نامه‌ای به رهبر ایران نوشت، اما هنوز ارسال نشده است!

تلنگر

نگاهی به حکم دادگاه چای دبش

آمار و ارقام عجیب

چندی پیش یکی از نمایندگان مجلس در صحن علنی در رابطه با پرونده چای دبش مدعی شده که چرا به تخلفات این شرکت قبل از سال ۱۴۰۰ رسیدگی و تخلفات از آن زمان آغاز شده است، این در حالی است که براساس مفاد پرونده و بررسی‌های صورت گرفته واردات چای از سال ۱۴۰۰ یک روند افزایش غیرطبیعی داشته و این واردات به صورت انحصاری در اختیار گروه هلدینگ چای دبش قرار گرفته است. بررسی آمارهای گمرک نشان می‌دهد میزان وارادت چای در سال ۹۷، ۹۸ و ۹۹ به ترتیب، ۹۴، ۶۰ و ۵۲ هزار تن بوده است که در سال ۹۹ حتی با کاهش نیز مواجه بوده است. اما به یک باره در سال ۱۴۰۰ ثبت سفارش روند افزایشی غیر طبیعی داشته که بررسی آمارهای گمرک، بیانگر ثبت سفارش گسترده و تقریبا انحصاری چای توسط گروه دبش به کشور است. بررسی‌ها نشان می‌دهد میزان واردات چای در سال ۱۴۰۰ به ۱۴۸ هزار و تنها در ۹ ماهه اول سال ۱۴۰۱ به ۱۸۴ هزار تن رسیده است. همچنین براساس بررسی‌های وزارت اطلاعات واردات چای از سال ۱۴۰۰ که روند افزایش غیرطبیعی پیدا می‌کند به صورت انحصاری در اختیار گروه هلدینگ چای دبش قرار گرفته است. ۴ شرکت وارد کننده که متعلق به گروه هلدینگ دبش روند را در سال ۱۴۰۰ شروع کرده و در سال ۱۴۰۱ توسعه داده بودند. حتی یکی از این شرکت‌ها که شرکتی به نام «یکتا تجارت صادرات میلاد» بود تا قبل از سال ۱۴۰۱ هیچ سابقه‌ای در حوزه چای نداشتند و در حوزه‌های دیگر مانند فرش فعالیت می‌کردند. این ۴ شرکتی که در داخل متعلق به دبش بود در سال ۱۴۰۰، ۵۴۴ میلیون دلار و در سال ۱۴۰۱ یک میلیارد و ۱۰۱ میلیون دلار تامین ارز داشتند در حالی که کشور برای تامین ارز کالاهای اساسی خود از جمله گندم، برنج، روغن و سایر موارد دچار کمبود بود. این در حالی است که میزان ارز دریافتی شرکت چای دبش در سال ۱۳۹۹، ۲۲ میلیون دلار بود. بررسی میزان ارز نیمایی (غیر ترجیحی) تامین شده گروه دبش غیر از چای (ماشین‌آلات و...) نیز افزایش چشم‌گیری در سال‌های اخیر داشته است. گروه دبش برای واردات ماشین‌الات در سال ۹۹، نه میلیون دلار ارز دریافت کرده است. نکته قابل توجه اینجاست که در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۰ هیچ ارزی دریافت نکرده اما در شش ماهه دوم همان سال ۱۲۳ میلیون دلار ارز دریافت می‌کند و این میزان در سال ۱۴۰۱ با افزایش خیره‌کننده‌ای به بیش از ۱ میلیارد و ۱۵۰ میلیون دلار می‌رسد. نیاز کشور به چای حدود ۸۰ الی ۱۰۰ هزار تن در سال بوده که حدود ۲۰ الی ۳۰ هزار تن تولید داخل بوده و مابقی واردات صورت می‌گیرد. گفتنی است، پرونده چای دبش با شکایت بانک مرکزی و بانک‌های دولتی و خصوصی که به عنوان بانک‌های شاکی شناخته می‌شوند (بانک ملت، بانک ملی، صادرات، پارسیان، رفاه کارگران، خاورمیانه، پاسارگاد، آینده، صنعت و معدن، سامان و کارآفرین و ایران زمین) و گزارشات متعددی که وزارت اطلاعات، سازمان بازرسی کل کشور، گمرکات کشور و پلیس اقتصادی فراجا تهیه کردند و گزارشاتی را به مراجع نظارتی دادند در سال ۱۴۰۰ در دادسرا تشکیل شد.

محکومیت دو وزیر

وزارت وقت جهاد کشاورزی و صنعت، معدن و تجارت بنابر دلایل متعدد از روند صدور ثبت سفارش‌ها و حواله‌های ارزی صادره در حق گروه چای دبش مطلع بودند، ولی برای جلوگیری از آن و یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری بودند، اقدام فوری و مؤثری انجام نداده‌اند که به حکم مستند قانونی مذکور، این اقدام متهمان منطبق با عنوان کیفری «معاونت در وقوع بزه اخلال در نظام اقتصادی کشور»، است بانک مرکزی و کمیته ماده ۲ زودتر از وزیر کشاورزی از موضوع آمار فزاینده و غیر واقعی و تخصیص ارز برای واردات چای، آگاه شده و نامه هشداری به مرجع قانونی اعمال کنترل‌های لازم ارسال می‌کند. صدور مصوبه‌ای جلوگیری از ثبت غیرواقعی را به وزیر جهاد کشاورزی ابلاغ می‌شود، ولی ساداتی‌نژاد به عنوان وزیر جهادکشاورزی نه تنها این مصوبه را اجرا نمی‌کند، بلکه لغو آن را از معاون اول رئیس جمهور مطالبه می‌کند. ساداتی‌نژاد و فاطمی‌امین دو وزیر وقت کشاورزی و صمت، با صدور رای پرونده چای دبش، محکوم به حبس شدند. در نهایت به موجب حکم صادره سیدجواد ساداتی‌نژاد و سیدرضا فاطمی‌امین وزرای وقت جهادکشاورزی و صنعت معدن و تجارت به اتهام معاونت در اخلال در نظام اقتصادی کشور به طور عمده و کلان موضوع تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور، هر کدام به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شدند، اما دادگاه در اجرای مواد ۳۶ و ۳۷ از قانون مجازات اسلامی و ماده ۶ از قانون کاهش حبس تعزیری محکومیت سیدجواد ساداتی‌نژاد را به ۲ سال و محکومیت سیدرضا فاطمی‌امین را به یک سال تخفیف و کاهش داد.